مرکز مطالعات اطلاع رسانی و فناوری

آینده‌ی صندوق های قرض‌الحسنه

روشن یا مبهم؟!

اشاره‌ای به طرح تشکیل بانک قرض‌الحسنه با تجمیع ۱۲۰۰ صندوق
روزنامه اطلاعات شماره ۲۴۵۰۴۵
مورخ ۸۸/۴/۱۸

بسمه تعالی

صندوق قرض‌الحسنه الزهراء علیها السلام در واکنش به تصمیم بانک مرکزی مبنی بر طرح تشکیل بانک بزرگ قرض‌الحسنه با تجمیع ۱۲۰۰ صندوق زیر مجموعه‌ی سازمان اقتصاد اسلامی، بیانیه‌ای نقد آمیز چاپ و منتشر کرد که ذیلاً به طور کامل آن را می‌خوانید.

خوشبختانه عزیزانی که در صندوق‌های قرض‌الحسنه شاغل به خدمتند اغلب بلکه قریب به اتّفاق از چهره‌های متدیّن، خدوم و دلسوز جامعه‌اند که درد دین دارند و از سر احساس مسئولیّت و تعهّد، به امر مبارک قرض‌الحسنه روی آورده‌اند و معتقدند که گره‌گشایی از امور مؤمنان نیازمند، **اولاً** مایه‌ی جلب رحمت الهی و موجب افزایش نعمت و برکت در جامعه‌ی اسلامی می‌شود و **ثانیاً** جلوه‌ای روشن و تابناک از اجرای موفّق احکام قرآنی در قالب **قرض‌الحسنه** به همگان و به‌ویژه، سست عقیده‌ها و آنانی که اصلاً با فرهنگ قرآنی انسی ندارند نشان داده می‌شود.

اصولاً با اجرای صحیح و شایسته‌ی قرض‌الحسنه، همگان در عمل به طور واضح و درخشان، مشاهده می‌کنند که اجرای تعالیم قرآنی چگونه اثربخش و ثمرآفرین است و بر مبنای یک رابطه‌ی ایمانی، چگونه می‌توان پاسخگوی احترام‌آمیز نیازهای مادّی و جبران کننده‌ی خلأهای روحی و عاطفی و برطرف کننده‌ی فاصله‌های طبقاتی بود و این، خود بهترین شیوه‌ی تبلیغ برای آیین نورانی اسلام است و این ادّعا را هم به اثبات می‌رساند که اگر در این مکتب عزّت‌بخش، آموزه‌های آن به شایستگی و دقّت و صحّت اجرا شود، جهان و جهانیان را به نور زندگی‌بخش خود احیاء خواهد کرد و حقّانیّت و توانایی این دین را عملاً به همه‌ی اهل عالم به‌ویژه متحیّران دنیای غرب و شرق و به‌خصوص آنانی که همه چیز را در ربح و مرابحه می‌دانند و از فرهنگ اخلاق و ایثار و انفاق و اکرام خبری ندارند نشان می‌دهد؛ و **راستی چه خدمتی از این بالاتر و چه جلوه‌ای از این تابناکتر.**

اصولاً انسان‌ها آن چیزی را تأیید و یا تکذیب می‌کنند که مستقیماً اثر مثبت یا منفی آن را در زندگی خود احساس کنند و قرض‌الحسنه قرآنی از چنین مزیتی برخوردار است که به طور شفاف در همه‌ی جوانب زندگی مؤثّر و اثرگذار است.

فردی که از دارایی خود، قرض‌الحسنه می‌دهد در واقع احساس انسانیّت، انسان دوستی، خداخواهی و پرهیز از خودخواهی، صفات عالی انسانی و عاقبت‌اندیشی در وجود او قوّت یافته است، و آن کس که دریافت کننده‌ی قرض‌الحسنه است احساس احترام، عزّت و اتّحاد با امّت اسلامی، تجلّی نور ایمان، اعتقاد به قرآن و آرامش روان و افزایش الفت و اخوّت اسلامی در نهاد او تقویت می‌شود.

و اگر چشم بصیرت انسان گشوده باشد می‌بیند که این تأثیرات مثبت شگرفی که قرض‌الحسنه هم در "دهنده" و هم در "گیرنده" پدید می‌آورد، دنیایی از اخلاق و فضیلت و کمال و انسانیّت است که به این راحتی و سرعت نمی‌توان در جای دیگری به دست آورد. **بنابراین نباید این فرصت و امتیاز طلایی و استثنایی را کم شمرد و یا با اغراض مادّی کم‌ارزش و بی‌ارزش آن را آلوده کرد و اثرات معجزه‌آسای آن را از بین برد و آن را در حدّ یک بنگاه تعاونی منصف تنزّل داد.**

کسانی که به پدیده‌ی متعالی قرض‌الحسنه قرآنی به گونه‌ای اقتصادی می‌نگرند و آن را با **کارمزد و جریمه‌ی دیرکرد و جایزه و تجارت یا وام‌های جدولی و بیش شرط و ارزش افزوده و امثال آن می‌آلایند؛** به یقین از حقیقت کمال آفرین این امر سبحانی بی خبرند و بیش از اینکه در پی سود کلان اخروی و رشد روحی و معنوی برای خود و جامعه باشند، به حدّاقلّ ضعیف، از این عالم فانی بسنده کرده‌اند و به همین ناچیز بی مقدار، دلخوش شده و شادمانند که درصدی مزد کار می‌گیرند و معاش خود را می‌گذرانند و حال آنکه همین افراد می‌توانند در شغلی دیگر که این عنوان مقدّس را بر فراز خود نداشته باشد با دغدغه‌ای کمتر و مرامی موجّه‌تر، سود بیشتری کسب نمایند و این همه، بار مسئولیّت شرعی، اخلاقی را به دوش نکشند و لقمه‌ی حلال و گوارایی را نصیب خود و خانواده‌شان سازند.

به هر حال بحث اصلی ما در این مقال این نیست که بگوییم این کارها را بکنید یا نکنید، **بحث ما حفظ اصالت صندوق‌های قرض‌الحسنه است.**

ما معتقدیم یا نباید در امری از امور دینی وارد شویم و یا باید با علم و اطلاع و آگاهی کافی و در بستری از تقوا و برهیزکاری ورود پیدا کنیم و این هشداری است تکان دهنده از سوی قرآن کریم به عموم مؤمنین که می‌فرماید:

وَ لا تَقْفُ ما لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ كُلُّ أُولئِكَ كانَ عَنْهُ مَسْؤُلاً؛(اسراء/۳۶)

پیام اساسی آیه این است: ای مسلمان، بر آنچه که علم و آگاهی نداری و به اصول و قواعد آن اشراف نداری پافشاری نکن و راهی را دنبال مکن که از کمّ و کیف آن بی خبری که اگر چنین کنی، بدان که گوش و چشم و دل تو در قبال این تصمیمات نسنجیده و مطالعه نشده، در فردای این عالم مسئول است و باید پاسخگو باشی که چگونه با وجود اینکه گوشی داشتی برای شنیدن و چشمی برای دیدن و دلی برای فهمیدن، مع‌الوصف چشم و گوش و فهم خود را بر هم گذاشتی و بی اعتنا به حقایقی که خدای حکیم علیم در قرآن کریم بیان نموده و حجج معصوم و مطهرﷺ او تبیین نموده‌اند آن راهی را دنبال کردی که نه برهان عقلی آن را تأیید می‌کند و نه حجّت شرعی آن را می‌پذیرد، آخر به چه دلیل کاری کردید که ناخواسته همان شیوه‌ی قوم موسیؑ را برگزیدید(...نُؤمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ...)؛بقره به بخشی از حقایق که مطابق میلتان بود ایمان آوردید و آنچه را که جوّ جامعه پذیرا نبود و یا به‌نظرتان،سیاست روزگار نمی‌پسندید کافر شدید و بلکه شیوه‌ای التقاطی را در پیش گرفتید. **آخر کجای دینداری این مجوّز را به ما می‌دهد که دین را آنچنان که خود می‌پسندیم تبلیغ و ترویج کنیم! آیا ما نباید خطّ قرمزهای مکتب خود را بر اساس معرفت دینی و معیارهای قرآنی دقیقاً بشناسیم و بشناسانیم و ذره‌ای و لحظه‌ای هم از آن مرزهای اعتقادی، عدول و تجاوز نکنیم، آیا مگر ما مجازیم که هر چه را که دلمان خواست در احکام شریعت ناب محمّدی تصرّف کنیم و آن را به میل و ذائقه‌ی خود تغییر دهیم.**

به آیه‌ای از قرآن کریم توجه کنیم که می‌فرماید:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً...؛(بقره/۲۰۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی بدون استثناء در مقابل احکام الهی تسلیم باشید و آنچه را که او حکم فرموده و رسول عالیقدرش و امامان معصومﷺ به شما ابلاغ کرده‌اند تبعیّت کنید تا به آن سعادت جاودان نائل شوید. این طور نیست که شما از یک طرف با توجیهات گوناگون، تابع تمایلات خود باشید و از طرف دیگر مجری احکام قرآنی، این دو که با هم جمع‌پذیر نیست.

اگر خاطرتان باشد در جزوه‌ای که با عنوان "بانک قرض‌الحسنه، ترکیبی متجانس یا متعارض" منتشر شد، به تفصیل اشاره کردیم که این دو واژه‌ی "بانک" و "قرض‌الحسنه" هم از نظر ظاهری و هم از نظر معنایی و هم در تئوری و هم در بُعد عمل با هم تعارض جدّی دارند و این دو هیچگاه با هم در زیر یک سقف قرار نمی‌گیرند و در یک جا نمی‌گنجند و اگر هم به هر دلیلی این دو عنوان که دو راهبرد متفاوت دارند با هم مجتمع شوند یقیناً قرض‌الحسنه از هویّت و حرمت تعریف شده‌ی خود تهی خواهد شد و امر مقدّس و معنویت بخش قرض‌الحسنه بیشتر جنبه‌ی اقتصادی،درآمدزایی و کلاً خصوصیات امور بانکی را به خود می‌گیرد و آن اصالت و رسالت صندوق قرض‌الحسنه را که اخلاق پرور و هدایتگر است از دست می‌دهد و بسیاری آسیب‌های دیگر که اگر بخواهیم به آنها بپردازیم به همان حجم جزوه‌ی قبلی حجیم خواهد شد.

بنابراین جا دارد عزیزانی که قصد و نیّت خیر دارند یکبار دیگر با حوصله‌ی کافی و دیدی منصفانه مطالب جزوه‌ی مزبور(بانک قرض‌الحسنه، ترکیبی متجانس یا متعارض؟) را بخوانند و اگر ضعفی در منطق و اصالت کلام آن مشاهده می‌نمایند ابراز نمایند و مطمئن باشند که ما با روی باز و آغوش گشاده همچنان که قبلاً هم گفته‌ایم پذیرای آنانیم که بشنویم و در نهایت هر دو به آنچه که حق است و مورد رضای حجّت حق ولی الله الاعظم امام زمان عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشّریف است عمل کنیم.

تأکید می‌کنیم و بلکه خواهشمندیم که **مبادا در این شرایط زمانی سنگ بنایی را بگذاریم که ناخواسته خلاف رضا و روش حق باشد و ما برغم نیّت خیر خواهانه‌ی خود به جای تولید نور، ناری بیفروزیم که نه تنها شعله‌اش دامن ما را می‌گیرد که به آیندگان ما هم صدمه‌ی جدّی خواهد زد، چرا که ناآگاهانه و نسنجیده یک سنّت الهی را دستخوش انحراف و اعوجاج کرده‌ایم.**

دوستان! بیاییم منطق قرآن و کلام رهبران معصومﷺ خود را در خصوص این امر مقدّس یعنی قرض‌الحسنه بار دیگر دقیقاً بازخوانی کنیم و آنچه را که بزرگان معصوم ما بر اساس منطق وحی و عصمت بیان فرموده‌اند منصفانه و عاقلانه و تقوامدارانه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و به هر نتیجه‌ای که رسیدیم آن را میزانی برای تصمیم‌گیری‌های خود منظور نماییم و مطمئن باشیم آنچه را که حق، تأیید نماید بالنده و پاینده و تابنده است و **آنچه را که ما بدعت بگذاریم چون اصالتی ندارد ماندگار نخواهد بود ضمن آنکه وبال آن دامنگیر ما و عصر و نسل ما خواهد شد.**

بار دیگر تأکید می‌کنیم هر رسالتی بنا بر اصالتش شکل می‌گیرد. **رسالت بانک با رسالت صندوق‌های قرض‌الحسنه کاملاً متفاوت و متغایر است.**

بانک به حکم وظیفه‌ی ذاتی خود که یک دستگاه اقتصادی، خدماتی سودآور است وظیفه دارد چرخه‌های اقتصاد کشور را با قدرت به گردش درآورد و فرآیند عملکرد موفّقش به توسعه پایدار کشور بینجامد.

امّا **صندوق قرض‌الحسنه** که اینگونه نیست، صندوق قرض‌الحسنه ریشه‌اش در احسان است و آثارش اخلاص و جلب رضای پروردگار و منشاء احسان هم، ایمان و عبودیّت خداوند متعال است؛ بنابراین در یک استنتاج منطقی، **تأسیس صندوق قرض‌الحسنه از آثار ایمان به خداوند و بندگی خالصانه‌ی حق تعالی است و هیچ شائبه‌ی دنیایی در تأسیس و فعّالیّت آن وجود ندارد و در این راستا صندوق قرض‌الحسنه، وظیفه‌ی اساسی‌اش، گره‌گشایی از نیازهای شرعی بندگان خداست بر مبنای ایثار و اخلاق و فضیلت و انسانیّت.**

به بیان دیگر تفاوت بارز این دو دستگاه خدماتی در این است که **بانک** ریشه در اقتصاد داشته و امور مادّی زندگی مردم را شکل می‌دهد، ولی **صندوق قرض‌الحسنه** ریشه در اعتقاد و اخلاق داشته و مأموریّت آن خدمت‌رسانی به قشر نیازمند جامعه است و این دو همچنان که می‌دانیم و می‌بینیم از نظر عملکرد هیچ تناسب ماهوی با هم ندارند که بتوانند در کنار هم جمع شوند و هدف واحدی را دنبال نمایند. ضمن اینکه هیچ ضدّیتی هم با هم ندارند، چرا که بانک مؤسسه‌ای انتفاعی و تجاری است، ولی قرض‌الحسنه مؤسسه‌ای غیرانتفاعی و غیر تجاری.

البتّه ما اصرار نداریم با خواندن این مطالب، همه چیز یکباره تغییر کند و مرام‌ها و کلام‌ها دفعتاً دگرگون شود نه، چنین انتظاری وجود ندارد. بلکه خواهش و پیشنهاد ما این است که **بیاییم برای اداره‌ی موفّق صندوق‌های قرض‌الحسنه به روش قرآنی به راهکاری اصیل و اسلامی توسّل پیدا کنیم و بعد با اتّخاذ شیوه‌ای متین و مجرّب و متعادل به دنبال چگونگی نظارت قوّی مردمی با جلب حمایت قوّه‌ی قضائیّه بر عملکرد صندوق‌ها در سراسر کشور باشیم.**

به هر حال اگر ما این راه را طی کنیم و بدون تأمّل کافی و بررسی لازم، بیاییم ابتدا بانک قرض‌الحسنه را امر موجّهی بدانیم و بعد بر یک اساس غلط و غیر قابل‌قبول و غیر منطقی ۱۲۰۰ صندوق قرض‌الحسنه را تحت عنوان نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه، تجمیع کرده به آنان تکلیف کنیم که موظّفند از منش و روش ما تبعیّت کنند **مطمئناً صندوق‌های اصیل و برنامه‌دار که رسالت الهی ـ آسمانی خود را شناخته‌اند و به حکم وظیفه‌ی ایمانی وارد عمل شده‌اند با ما همراه نخواهند شد، چرا که اگر بخواهند این نوع نظارت و هدایت را بپذیرند در واقع مخالف با اهداف اعتقادی خود عمل کرده‌اند و بنابراین چاره‌ای ندارند جز اینکه با با این تصمیم مخالفت کنند و روش خود را که می‌دانند صحیح است دنبال نمایند و یا اینکه به قول معروف برای حفظ وحدت برای پیشگیری از تنش و چالش و اختلاف نظر و سوءاستفاده‌ی دیگران، این دستگاه‌های خیررسان، خدوم و مشکل گشا را با کمال متانت امّا کسالت تعطیل نمایند و به امر خیر موجّه دیگری بپردازند.**

به دوستان عزیز و بزرگواری که فعلاً حامل این مسئولیّت سنگین هستند و آن را تحقّق آرزوی دیرین خود می‌دانند و تصمیم به اجرای پروژه‌ی بزرگ کشوری تشکیل بانک قرض‌الحسنه با تجمیع ۱۲۰۰ صندوق را دارند عرض می‌کنیم:

دوستان! آنچه بیان شد یک واقعیّت تلخ امّا انکارناپذیر است و بدون اعتنا به این حقیقت، نمی‌توان وحدت مرامی را به طور اصولی بین صندوق‌های قرض‌الحسنه ایجاد کرد و چنانچه شما به طور مقطعی هم موفق شوید، دیر یا زود به نتایج منفی آن واقف می‌گردید و البتّه آن زمانی است که بسیاری از سرمایه‌ها به هدر رفته، بسیاری از نیروها تلف شده و بسیاری از اوقات طلایی، ضایع و تباه شده است...

به هر حال به‌نظر می‌رسد ما به حکم رابطه‌ی اخوّتی که فیمابینمان برقرار است و به برکت تمسّک به قرآن کریم و حبل متین ولایت و نیّت خیر و خالصانه‌ای که همگان داریم، **بیاییم با یک نظرسنجی هوشمندانه و بررسی دقیق و بخردانه، آفات و آثار این تصمیم را مورد بررسی قرار دهیم؛ آنگاه آراء و اندیشه‌های جمع‌آوری شده را به آیینی نظام‌مند که موجب رشد و شکوفایی این سنّت الهی (قرض‌الحسنه) است تبدیل کنیم و همواره یکدیگر را به این سفارش قرآنی یادآور شویم که آنی را بخواهیم که "او" می‌خواهد و راهی برویم که ولیّ معصوم‌مان می‌پسندد و تصمیمی بگیریم که کارساز و نتیجه‌بخش باشد و ضمن اینکه مراقب باشیم از شور و شعور نیانیم، مواظبت کنیم که دچار شتاب و عجله هم نشویم.**

و به خاطر داشته باشیم که بعد از طیّ مراحل شناختن علمی بانک و کسب معرفت قرآنی صندوق قرض‌الحسنه و درک وجوه اشتراک و افتراق این دو و بررسی خصوصیّات هر یک و اهدافی که برای هر کدام تبیین و تدوین شده، آن وقت است که می‌توانیم به انتخاب راهی که به عزّت نظام اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی ایمانی و ارتقای فضیلت‌های انسانی منجر می‌شود بیندیشیم و قدم‌های مؤثّری را برداریم و **قطعاً اگر ما عالمانه و عاقلانه و صبورانه و مخلصانه، دین خدا را یاری کنیم خدا هم به حسب سنّت تغییرناپذیرش ما را یاری و حمایت و هدایت خواهد کرد و برکات خاصّ خود را نصیبمان می‌گرداند. به امید چنین ائتلاف و اعتماد و اتّحادی.**

و من الله التّوفیق

فصلنامه‌ی وام

تیرماه ۸۸